

بررسی نقش کیفیت محیط سکونتی در مهاجرت‌های درون‌شهری (مطالعه موردی: بافت قدیم خرم‌آباد)

احمد پورا احمد* - استاد دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران

رحمت الله فرهودی - استادیار دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران

کیومرث حبیبی - استادیار گروه شهرسازی، دانشگاه کردستان

مهناز کشاورز - دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران

پذیرش مقاله: ۱۳۸۸/۱۰/۲۲ تأیید نهایی: ۱۳۸۹/۸/۴

چکیده

کیفیت محیط، از عوامل مؤثر بر حرکات جمعیتی درون‌شهری محسوب می‌شود. در چند دهه اخیر پدیده تنزل کیفیت محیطی همچون شبیحی بر ساختار اقتصادی کهن شهرهای ایرانی سایه افکنده و پایداری درازمدت آن را با خطر مواجه ساخته است. نتیجه این امر برون‌رانی بومیان از هسته‌های باارزش قدیم شهری به سمت مناطق نوساز و میانی است. کاهش عملکردی و فرسودگی کالبدی بیش از پیش بافت و کاهش کیفیت آن، از بدیهی‌ترین نتایج حاصل از توالی این چرخه (مهاجرت بیشتر = کیفیت نازل‌تر محیطی) است که امروزه گریبانگیر شهر قدیمی خرم‌آباد نیز شده است. پژوهش حاضر با هدف بررسی این چرخه و ناپایداری شهری در بافت قدیم شهر خرم‌آباد صورت گرفته است و پیش‌فرض اساسی آن این است که با درک و شناخت میزان و علل رضایت‌مندی شهروندان از محیط زندگی‌شان، می‌توان مانع خروج جمعیت از این محله‌ها و کاهش جمعیت بافت تاریخی و مرکزی شهرها و ایجاد تعادل فضایی در محله‌ها و بافت‌های شهری شد. روش جمع‌آوری داده‌ها از طریق پرسشنامه و انجام مصاحبه میدانی و حجم نمونه ۳۸۸ عدد بوده است. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار آماری Spss انجام شده است. فرضیه این پژوهش، عبارت است از: میان سطح رضایت شهروندان از کیفیت محیط سکونتی‌شان و تمایل به مهاجرت درون‌شهری آنها ارتباط معناداری وجود دارد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که، حدود ۶۰ درصد از جامعه نمونه، تمایل به مهاجرت از بافت دارند. میزان رضایت‌مندی ساکنان بافت قدیم از محیط سکونتی‌شان تقریباً در حد متوسط ($1 < 2/6 < 5$) با میانۀ نظری ۳ ارزیابی شده است. میزان رضایت‌مندی از معیار هویت محیطی، نسبتاً زیاد است. ساکنان از امنیت محله‌شان و آرامش در آن، اظهار رضایت نسبی داشتند و در مورد سایر معیارها، رضایت‌مندی کمتر از حد متوسط بوده است. نتایج حاصل از ارتباط کیفیت محیط سکونتی و تمایل به مهاجرت‌های درون‌شهری، در جهت تأیید نسبی تأثیرپذیری این گونه حرکات از کیفیت محیط سکونتی است و نشان از عدم ارتباط معنادار بین دو معیار مهاجرت‌های درون‌شهری و مالکیت مسکن؛ و برعکس، وجود ارتباط معکوس برخی از معیارها مثل امنیت، هویت محیط شهری، خدمات عمومی و بهداشتی، ویژگی‌های کالبدی با مهاجرت‌های درون‌شهری دارد. همچنین رابطه خویشاوندی و طایفه‌ای محکم، موجب تحکیم روابط همسایگی می‌گردد و این خود منجر به کاهش مهاجرت‌های درون‌شهری می‌شود.

کلیدواژه‌ها: کیفیت زندگی، رضایت‌مندی، مهاجرت‌های درون‌شهری، خرم‌آباد، بافت قدیم.

مقدمه

در تحلیل مسائل شهری اغلب بر مهاجرت‌های روستا-شهری تأکید شده و به مهاجرت‌های درون‌شهری کمتر پرداخته شده است. این در حالی است که مهاجرت‌های درون‌شهری که عمدتاً از هسته‌های با ارزش قدیم شهری به سمت مناطق نوساز و میانی صورت می‌گیرد، بر ساختار اجتماعی-فضایی نواحی شهری و فرسودگی بیش از پیش بافت‌های قدیمی شهرها تأثیر می‌گذارند. این نوع حرکات جمعیتی که مدام در حال افزایش‌اند، قانونمندی‌های خاص خود را دارند و از عوامل متعددی نیز تأثیر می‌پذیرند. از جمله این عوامل می‌توان به کیفیت محیط زندگی ساکنان محله‌های شهر و رضایت‌مندی از معیارهای مرتبط با آن در شهر اشاره کرد.

ارزیابی ساکنان از محیط‌های سکوتی‌شان بر میزان جذب و نگهداشت جمعیت در بافت‌های شهری مؤثر است و به عنوان یکی از عوامل مهم تأثیرگذار بر حرکات جمعیتی درون‌شهری مطرح می‌شود. حرکات جمعیتی در سطوح مختلف بین‌المللی، ملی، منطقه‌ای و محلی تحت تأثیر سلسله‌مراتبی از نیازها و توقعاتی است که در مراحل مختلف زندگی انسان برای بهتر زیستن مطرح می‌شود. در واقع رفتارهای فضایی انسان از ارزش‌ها و معیارهایی که در زمان‌های مختلف مطرح شده‌اند، تأثیر می‌پذیرد. این ارزش‌ها از یک سو ناشی از خصوصیات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی او هستند و از سوی دیگر منتج از شرایطی که محیط بر او تحمیل می‌کند. با توجه به این نوع ارزش‌ها، می‌توان تمایل او را برای تغییر محیط زیست و شیوه زندگی‌اش تبیین کرد (Simonsen, 1991, 419). این نوع تمایلات بر جهت و میزان مهاجرت‌های درون‌شهری تأثیر می‌گذارند و این‌گونه حرکات از میزان رضایت‌مندی سکوتی تأثیر می‌پذیرند.

بافت‌های فرسوده و قدیمی شهری که در فرایند زمان طولانی شکل گرفته و تکوین یافته‌اند، امروزه از لحاظ ساختاری و عملکردی دچار کمبودهایی شده‌اند و اغلب اوقات آن‌گونه که باید پاسخ‌گوی نیازهای ساکنان‌شان نیستند و این امر میزان رضایت‌مندی ساکنان از محیط سکوتی‌شان را کاهش می‌دهد و به مهاجرت‌های درون‌شهری دامن می‌زند. امروزه تصویر فرسودگی شهری، بدین معنی که مرکز شهرها مضمحل می‌شوند و حومه‌ها و مناطق نوساز شهرها همواره توسعه می‌یابند، امروزه عمومیت یافته است و مسئله مناطق فرسوده شهری از مسائل مهم در اکثر شهرهای کشورهای جهان است (شاهویی، ۱۳۸۸، ۱۸).

شهر خرم‌آباد نیز با این‌گونه مسائل مواجه است، به گونه‌ای که جمعیت بافت قدیم آن، با نرخ رشد منفی، از ۳۶۲۱۶ نفر در سال ۱۳۶۵ به ۱۶۱۴۷ نفر در سال ۱۳۸۵ کاهش یافته است، در حالی که شهر خرم‌آباد با نرخ رشد ۲/۵ درصد طی سال‌های اخیر افزایش جمعیت داشته است و در نتیجه نسبت جمعیت بافت به شهر از ۱۷/۵ درصد به ۵ درصد کاهش یافته است. سنجش عوامل مؤثر بر مهاجرت‌های درون‌شهری برای دستیابی به قانونمندی‌های حاکم بر این حرکات و تغییرات جمعیتی، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است و برای دستیابی به پایداری شهری، بررسی و شناسایی عوامل مؤثر بر میزان رضایت و نارضایتی ساکنان بافت قدیم، می‌تواند در جهت تحلیل وضع موجود سکوتی و تصمیمات آتی به منظور ارتقای سطح کیفی محل سکونت افراد و در نتیجه در جذب و نگهداشت جمعیت در بافت‌های فرسوده و قدیمی شهر و ممانعت از خروج جمعیت از این‌گونه بافت‌ها مؤثر واقع شود.

پژوهش حاضر با هدف بررسی میزان رضایت‌مندی ساکنان بافت قدیمی و مرکزی شهر خرم‌آباد از محیط زندگی‌شان و تأثیر آن بر مهاجرت‌های درون‌شهری و خروج جمعیت از آن انجام شده است. به منظور شکل‌گیری مدل پایه و چارچوب نظری در محدوده مطالعاتی، به بررسی نوشتارها و پژوهش‌های نظری مربوط به کیفیت محیط زندگی و رضایت‌مندی از محل سکونت و عوامل مؤثر بر مهاجرت‌های درون‌شهری پرداخته شده است، که در ادامه ارائه می‌شود.

مبانی نظری

در منابع تحقیقی مربوط به رضایت‌مندی^۱، سکونت‌پذیری^۲ در زندگی یا رضایت‌مندی سکونتی امری کاربردی شده است. نمونه متداول آن مدل کمپبل^۳ (۱۹۷۳) است که در آن رضایت‌مندی از زندگی، به صورت رضایت از جنبه‌های مختلف محیط در نظر گرفته می‌شود. این رضایت‌مندی حاصل فرایند ارزیابی، درک، تخمین و رفتار همراه با سازگاری است و ماهیتاً ساختاری سلسله‌مراتبی دارد و میان خصوصیات عینی و ذهنی تمایز قائل می‌شود. مارانز^۴ و کوپر^۵ (۲۰۰۰)، نیز در مدل خود در زمینه رضایت‌مندی از محل سکونت، رویکرد سلسله‌مراتبی دارند و در آن، میان سطوح مقیاس‌های مختلف - همچون واحد مسکونی (خانه)، واحد همسایگی (محله)، شهر و جامعه - تمایز قائل شده‌اند. مدل وان پل (۱۹۹۷) و وان کمپ، ساختار سلسله‌مراتبی از رضایت‌مندی از محل سکونت را نشان می‌دهد. در این مدل به ویژگی‌های محیطی اهمیت ویژه‌ای داده شده است. تحقیق آنها نشان می‌دهد که این ساختار سلسله‌مراتبی برای ویژگی‌های محیطی، شیوه مناسب مدل‌سازی برای کیفیت محیطی است (Van Kamp & Others, 2003, 10-12).

تنوعی که در تعریف کیفیت وجود دارد از یک‌سو، و ادراک سلسله‌مراتبی انسان که موجب می‌شود کیفیت شیء از دو منبع یعنی عرصه عینی و عرصه ذهنی سرچشمه بگیرد از سوی دیگر، باعث شده است تا انواع کیفیت وجود داشته باشد. بر این اساس کیفیت‌هایی که متعلق به «عرصه ذهنی» هستند، کیفیت‌هایی به شمار می‌روند که درون «ضمیر فرد» ساکن‌اند و متقابلاً کیفیت‌های مرتبط با «عرصه عینی» که کیفیت‌های متعلق به شیء‌اند، به شکل «موجودیتی خارجی» در معرض ذهن قرار می‌گیرند و با حقایق جهان سروکار می‌یابند. کیفیت‌های ضمیری را می‌توان به عنوان ارزش‌هایی برشمرد که دشوار می‌توان آنها را کمی و همچنین اندازه‌گیری کرد. کیفیت‌های مرتبط با بیان مطلوب یا نامطلوب و زشت و زیبا بودن اشیا معمولاً از این دسته‌اند. بر خلاف کیفیت‌های ضمیری، «کیفیت‌های حقیقی» اشیا را می‌توان آنهایی دانست که ماهیتی قابل اندازه‌گیری دارند و به ظرفیت‌های قابل سنجشی نظیر وزن و ارتفاع و سرعت ارتباط دارند. ارزش‌های ذهنی - روانی یک شیء یا کیفیت‌های مطلوب شیء (نظیر زیبایی) از «فرد» نشأت می‌گیرد؛ در حالی که مقیاس‌های اندازه‌گیری عینی اشیا یا «کیفیت‌های ظرفیتی» از خود شیء سرچشمه می‌گیرند (گلکار، ۱۳۸۰، ۶۵).

1 Satisfaction

2 Livability

3 Campbell

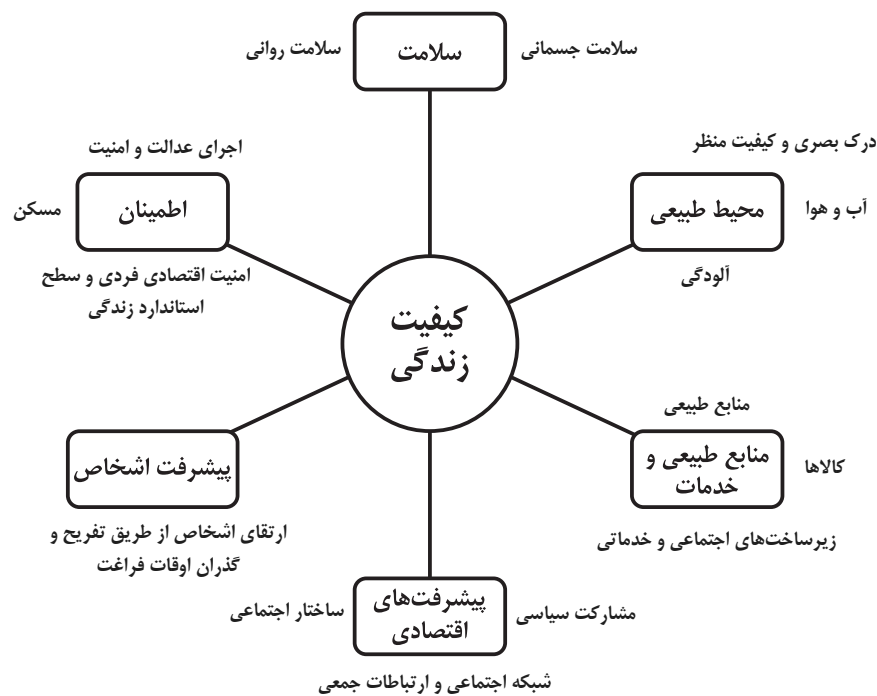
4 Marans

5 Couper

مفهوم کیفیت زندگی، بازتابی است از نگرانی فکری عمیق بشر از به نوعی «از خود بیگانگی» فزاینده و خواست عمیق انسان به بازیابی وجود اجتماعی خویش در زیست‌بوم طبیعی‌اش (نراقی، احسان، ۱۳۵۰، (۲۵۳۷)، ۱۴).

کیفیت زندگی شهری دربرگیرنده ابعادی روانی است که شاخص‌هایی همچون رضایت و شادمانی و امنیت را دربرمی‌گیرد. اینها در برخی موارد، رضایت‌های اجتماعی نیز نامیده می‌شوند و افزون بر آن همچنین دارای ابعادی محیطی (سنجه‌هایی همچون مسکن، دسترسی به خدمات و امنیت محیطی) و جنبه‌های دیگر شامل توجه به فرصت‌های اجتماعی، امیدهای اشتغال، ثروت و اوقات فراغت هستند (سیف‌الدینی، ۱۳۸۱، ۳۷۵).

اسزالی^۱ (۱۹۸۰)، بیان می‌دارد که کیفیت زندگی به درجه‌ای یا ویژگی رضایت‌مندی از زندگی اشاره دارد. وضعیت فعلی شخص و آسایش و رضایت او از زندگی، از طرفی به وسیله واقعیات و عوامل بیرونی (عینی) زندگی او، و از طرف دیگر با درک و ارزیابی درونی (ذهنی) او از این عوامل و واقعیات زندگی تعیین می‌شود.



شکل ۱. اجزای سازنده کیفیت زندگی

منبع: Van Kamp & Others, 2003, 12

در برخی از منابع، کیفیت زندگی با امکانات مادی و معنوی شامل سلامتی، محیط زندگی، قوانین، تساوی حقوق، اشتغال و خانواده و مانند اینها بیان می‌شود. لنسینگ^۱ و مارانز رضایت‌مندی را یکی از معیارهای اصلی سنجش کیفیت محیط می‌دانند و کیفیت محیط را به این شکل تعریف می‌کنند: «محیط با کیفیت مناسب، احساس رفاه و رضایت‌مندی را برای جمعیت آن از طریق ویژگی‌های فیزیکی یا اجتماعی و یا نمادین به وجود می‌آورد» (Van Kamp & Others, 2003, 7). میشل^۲ در مدل "کیفیت زندگی"، سعی کرده است اجزای مختلف سازنده کیفیت محیط را به کار گیرد. در این رویکرد، کیفیت زندگی مشتمل بر سلامتی، محیط طبیعی، منابع طبیعی، پیشرفت‌های اقتصادی و ارتقای افراد و ایجاد امنیت است. برای هر یک از این معیارها، زیرمعیارهایی ذکر شده است (شکل ۱).

رضایت‌مندی از محل سکونت به عواملی از قبیل امکانات و خدمات تفریحی و رفاهی، فرهنگی، آموزشی، امنیت و آرامش و وجود فضای تعاملات اجتماعی بستگی دارد و خود با مهاجرت‌های درون‌شهری مرتبط است و بر میزان این گونه تحرکات جمعیتی به ویژه از بافت‌های فرسوده و قدیمی به مناطق با کیفیت بهتر تأثیرگذار است. چنانچه شرایط فعلی در سازگاری نزدیک با همان چیزی باشد که فرد برای نیازها و آرمان‌هایش تعریف کرده است، رضایت‌مندی حاصل می‌گردد. در غیر این صورت، دو حالت امکان‌پذیر است. حالت اول مربوط به افراد معتقد به سرنوشت و تقدیر است. این افراد با تطبیق دادن ناسازگاری از طریق تجدیدنظر کردن در نیازها و کاستن آرمان‌ها و یا از طریق ایجاد تغییر در ارزیابی شرایط فعلی، رضایت‌مندی‌شان را ایجاد می‌کنند. حالت دوم مربوط به افرادی است که به هیچ طریقی نمی‌توانند خود را با شرایط فعلی سکونت - که موجب ایجاد نارضایتی شده است - وفق دهند. این افراد در بیشتر موارد، مستعد تلاش برای کاهش نارضایتی‌شان، چه از طریق تجدیدنظر کردن در نیازها و چه از طریق نقل مکان کردن به شرایط سکونتی با سازگاری بیشتر هستند (رفعیان و دیگران، ۱۳۸۷، ۵۴).

گیفورد دلایل مختلفی را برای جابه‌جایی از سکونتگاه ذکر کرده است، از قبیل: تنش یا عدم رضایت از سکونتگاه فعلی، تغییرات مثبت یا منفی در امور مالی و یا حرفه و طی کردن مراحل زندگی مانند رفتن به دانشگاه، اضافه شدن کودک به خانواده، یا کوچک شدن خانواده پس از اینکه بچه‌ها خانه را ترک می‌کنند. برطبق برخی از تحقیقات، تصمیم‌گیری در مورد جابه‌جایی سکونتی لزوماً با مشکلات اجتماعی و یا نارضایتی از خانه قبلی مرتبط نیست. اگرچه برخی از جابه‌جایی‌ها نتایج پاره‌ای موارد منفی و نارضایتی است (گیفورد، به نقل از قبادیان، ۱۳۷۸، ۹۵).

در زمینه شناخت رابطه دوسویه بین مهاجرت‌های درون‌شهری و میزان رضایت‌مندی از محل سکونت و شهر و درک این فرایند، نظریات و مدل‌هایی ارائه شده است که از مهم‌ترین آنها می‌توان از مدل ابولقد^۳ و رابسون^۴ نام برد. ابولقد در مدلی که تحت عنوان «مدل مراحل مختلف زندگی»^۵ ارائه کرده است، تعدد تغییر محل سکونت و اولویت‌های مکانی در انتخاب محل سکونت جدید را تابع مراحل مختلف زندگی آنها و اهمیت دسترسی به امکانات، تسهیلات و فضای مسکونی مناسب در هر کدام از این مراحل دانسته است. به عبارت دیگر، وی نیازهای متفاوت افراد در دوره‌های

1 Lansing

2 Mitchell

3 Abu-lughod

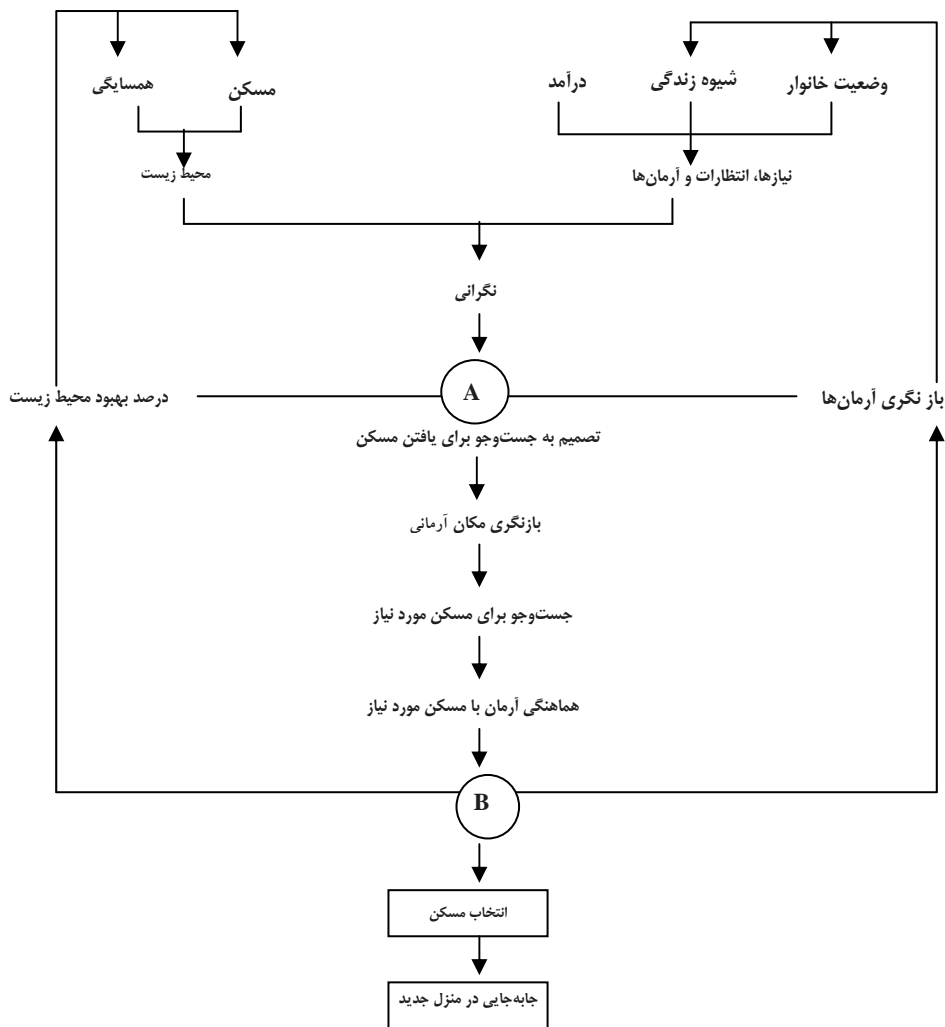
4 Robson

5 Life cycle model

مختلف زندگی را عامل جابه‌جایی آنها در بین نقاط مختلف شهر (حلقه مرکزی، میانی، بیرونی) می‌داند و چنین بیان می‌دارد که متناسب با مراحل که یک خانوار در طول زندگی خود طی می‌کند، ویژگی محل سکونت او نیز تابع تغییراتی می‌گردد (ابوالقد، به نقل از سجادی، ۱۳۸۷، ۱۰۱)

رابسون در مدل خود عواملی را که منجر به انگیزش خانوارها در تغییر محل سکونت در شهر می‌شود، نشان داده است (شکل ۲). به نظر او انگیزه خانوارها در تصمیم‌گیری و جست‌وجو برای تغییر محل سکونت، تابع آرزوها، تمایلات و انتظارات آنهاست که خود تابعی از وضعیت خانوادگی، درآمد، شیوه زندگی، همسایگی و وضعیت مسکن این خانوارهاست (رابسون ۱۹۷۵، به نقل از سجادی، ۱۳۸۷، ۱۰۱).

برخی از پژوهشگران متغیرهایی چون مالکیت، مساحت و همسایگی را در مهاجرت‌های درون‌شهری مؤثر دانسته‌اند. از جمله مارتین کادوالادر، معتقد است ثبات در مالکیت واحد مسکونی و عامل همسایگی در جابه‌جایی کمتر مؤثر است (Cadwallader, 1981, 115 -130). در تمام تحقیقات انجام شده، متغیرهای مؤثر در مهاجرت‌های درون‌شهری به نوعی نشان‌دهنده میزان رضایت‌مندی از محل سکونت است.



شکل ۲. مدل عوامل مؤثر در تغییر محل سکونت رابسون

منبع: رابسون، به نقل از سجادی، ۱۹۷۵

نتایج مطالعه یوکوبابا و مارک آوستین در سال ۱۹۸۹، نشان داد که بهبود خصوصیات محیطی و وضعیت بهتر ساکنان واحد همسایگی موجب افزایش رضایت‌مندی بیشتر ساکنان می‌شود و این امر باعث افزایش امنیت در محله می‌گردد. همچنین تحقیق آنها نشان داد که افراد دارای پایگاه اقتصادی-اجتماعی بالا، سالخوردگان و مالکان نسبت به افراد با پایگاه اقتصادی-اجتماعی پایین، جوان‌ها و مستأجران از خصوصیات کالبدی محله و واحد همسایگی‌شان رضایت‌مندی بیشتری دارند (Baba and Austin, 1989, 772).

لارنس در بررسی دلایل مهاجرت به بخش مرکزی و از بخش مرکزی شهرها، علل جابه‌جایی و تغییر محل سکونت را با متغیرهایی از قبیل تغییر بعد خانوار، پایگاه اقتصادی-اجتماعی ساکنان محله، دلایل زیبایی‌شناختی و سلیقه‌ای، نزدیکی به محل کار، محل تحصیل و جز اینها مرتبط می‌داند (Larence, 2004, 262).

روش تحقیق

با توجه به ماهیت موضوع و مؤلفه‌های مورد بررسی، در پژوهش حاضر از روش تحقیق توصیفی-تحلیلی استفاده شده است و هدف اصلی تحقیق، سنجش تأثیر میزان رضایت‌مندی شهروندان از کیفیت محیط زندگی‌شان بر حرکات جمعیتی درون‌شهری است. متغیر وابسته، مهاجرت‌های درون‌شهری است؛ و متغیر مستقل معیارهای مرتبط با کیفیت محیط و مالکیت مسکن در محله‌های شهری. پژوهش حاضر درصدد پاسخ‌گویی به این دو پرسش است:

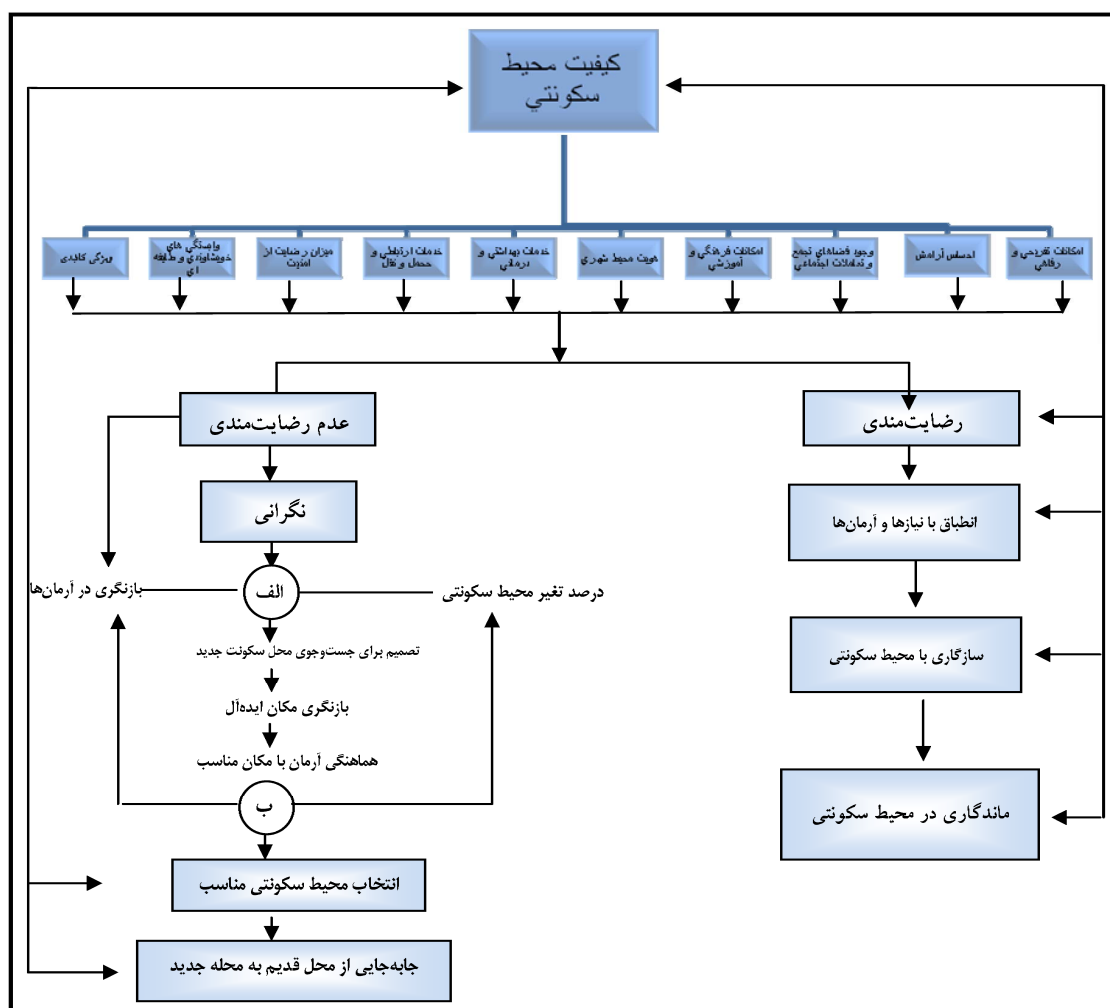
۱. ارزیابی ساکنان محله‌های بافت قدیمی و فرسوده شهر از معیارهای کیفیت محیط سکونتی‌شان چگونه است؟

۲. آیا بین میزان رضایت‌مندی از کیفیت محیط سکونتی‌شان و مهاجرت‌های درون‌شهری رابطه‌ای وجود دارد؟

فرضیه پژوهش، عبارت است از اینکه: میان سطح رضایت شهروندان از کیفیت محیط سکونتی‌شان و تمایل به مهاجرت درون‌شهری آنها ارتباط معناداری وجود دارد.

در بررسی نقش میزان رضایت‌مندی ساکنان محدوده مرکزی و قدیمی شهر خرم‌آباد از محیط سکونتی‌شان بر تمایل به مهاجرت‌های درون‌شهری، ابتدا میزان رضایت‌مندی از محیط سکونتی از نظر ساکنان محدوده، بررسی شده است. سپس، این معیار به ۱۰ زیرمعیار (امکانات تفریحی و رفاهی، احساس آرامش، وجود فضاهایی برای تعاملات اجتماعی، امکانات فرهنگی و آموزشی، هویت محیط شهری، خدمات بهداشتی و درمانی، خدمات ارتباطی و حمل‌ونقل، امنیت، وابستگی‌های خویشاوندی و طایفه‌ای و ویژگی‌های کالبدی) تقسیم شد، تا تمایل آنها به مهاجرت معلوم گردد. در مرحله بعدی، ارتباط دو متغیر میزان رضایت‌مندی از محیط زندگی و مهاجرت‌های درون‌شهری، بررسی شده است. شکل ۳، مدل تحلیلی بررسی ارتباط میزان رضایت‌مندی از محیط سکونتی و مهاجرت‌های درون‌شهری را نشان می‌دهد. ترسیم این مدل با استفاده از بررسی نوشتارها یا پژوهش‌های مسئله و پیشینه تحقیق و بررسی‌های مقدماتی از وضع موجود در محدوده مطالعاتی صورت می‌گیرد و مدل بر اساس مدل رابسون است.

با مطالعه مبانی نظری و پیشینه تحقیق در زمینه مهاجرت‌های درون‌شهری و کیفیت محیط شهری، شاخص‌هایی انتخاب شد و به صورت گویه‌هایی در قالب پرسشنامه تنظیم گردید و با استفاده از روش پیمایشی، از ساکنان بافت مرکزی و قدیمی پرسش شد. جامعه آماری مورد مطالعه، ساکنان بافت قدیمی و مرکزی شهر خرم‌آباد است. همچنین برای تکمیل نتایج تحقیق در فواصل زمانی مناسب با حدود ۳۰ خانوار از خانوارهایی که از بافت مذکور مهاجرت کرده‌اند، مصاحبه شد. این خانوارها متناسب با توان مالی‌شان، به قسمت‌های شمالی شهر و بخش‌های توسعه‌یافته جدید مانند محله کیو، شیرخورگاه، دره گرم و جز اینها مهاجرت کرده‌اند. برای محاسبه حجم نمونه از فرمول کوکران (حافظی‌نیا، ۱۳۸۵، ۱۴۰) با خطای استاندارد ۵۵ درصد و اطمینان ۹۵ درصد استفاده شده و حجم نمونه ۳۸۸ نفر برآورد گردیده است.

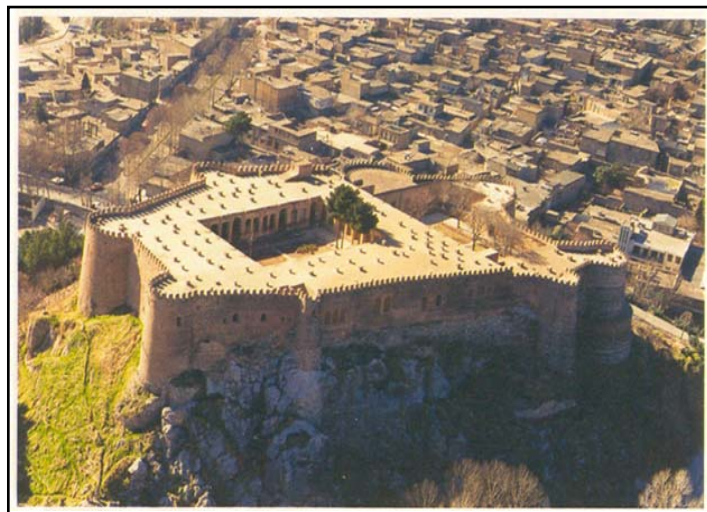


شکل ۳. مدل مفهومی به کار رفته در بررسی نقش میزان رضایت از محیط زندگی بر جابجایی‌های درون‌شهری

منبع: نگارندگان، بر اساس مدل رابسون

• حضور عناصر فرهنگی و تاریخی ارزشمند و هویت‌بخشی چون قلعه فلک‌الافلاک، کلیت فضا را تحت تأثیر قرار می‌دهد و به عنوان عنصر نشانه‌ای شاخص در کل شهر عمل می‌کند. استقرار ادارات اصلی شهر و مرکز تجاری (بازار قدیم)، در آن سبب شده است که موقعیت ساختار کالبدی حوزه مورد مطالعه عمدتاً به لحاظ سلسله‌مراتب توسعه شهری جدید، دچار نابسامانی گسترده‌ای شود. در واقع، ساختار کالبدی و فضایی شهر، نیازهای تازه‌ای را از لحاظ فضاهای خدماتی و سکونتی بر شهر تحمیل کرده است که تبعات این دگرگونی‌ها بدین شرح زیر است:

- تصرف باغ‌ها و فضای سبز حاشیة رودخانه و تبدیل آن به فضاهای جدید مسکونی و خدماتی؛
 - احداث خیابان‌های جدید درون بافت مانند ۲۴ متری حکیم؛
 - توسعه و رونق بخش‌های شمالی و جنوبی (حوزه نوساز) شهر و فرسودگی روزافزون بافت قدیم؛
 - کاهش قیمت زمین و مسکن در محدوده بافت قدیمی، به دلیل فقدان خدمات و زیرساخت‌های مناسب و قابلیت دسترسی در بیشتر قسمت‌های بافت؛
 - تخلیه بافت از ساکنان اولیه و جابه‌جایی آنان به نقاط نوساز شهر (تغییر بافت و چهره اجتماعی ساکنان)؛
 - اسکان یافتن اقشار کم درآمد و مهاجران روستایی در بافت قدیم و فرسوده شهر.
- ویژگی‌های عمومی این محدوده عبارت‌اند از: وجود بستر طبیعی غنی و پتانسیل‌های مثبت در زمینه توسعه شهر؛ حضور عناصر فرهنگی و تاریخی با ارزش؛ کمبود خدمات عمومی و امکانات تأسیساتی و تجهیزات شهری؛ عدم استحکام واقعی اغلب ساختمان‌ها و بناها خصوصاً در بخش‌های مرکزی و جنوبی آن؛ نابسامانی در چیدمان فعالیت‌ها و وجود کاربری‌های ناسازگار؛ وجود معضلات و آسیب‌های اجتماعی؛ نابسامانی در شبکه دسترسی سواره و پیاده و برخی موارد دیگر که مجموعاً در کاهش کیفیت و رونق محیط و در نتیجه خروج جمعیت از آن مؤثر بوده است.



شکل ۵. قلعه فلک‌الافلاک به عنوان عنصر نمادین شاخص و تأثیرگذار در بخش شرقی محدوده



شکل ۶. حضور سفیدکوه در غرب بافت به عنوان عنصر طبیعی تأثیرگذار در سازمان فضایی

محل‌گرایی در سکنی‌گزینی شهری از ویژگی‌های بارز مهاجران به شهر خرم‌آباد است. برای نمونه، مهاجران بخش پایی بیشتر در منطقه پشته حسین‌آباد، مهاجران شهرستان‌های سلسله و دلفان در منطقه دره‌گرم، جهانگیرآباد و بیمارستان، مهاجران بخش چگنی در پشت بازار و باجگیران، مهاجران بخش‌های زاغه و چغلودی در اسدآبادی و شمشیرآباد و جز اینها ساکن شده‌اند.

ویژگی دیگر شهر خرم‌آباد در زمینه حرکات مکانی جمعیت، جابه‌جایی‌های وسیع اجتماعی است که در درون این شهر روی داده است. این جابه‌جایی در وهله اول به صورت خروج و مهاجرت جمعیت به سایر شهرها و گاه نیز خارج از کشور بوده است؛ و در وهله دوم به صورت جابه‌جایی‌هایی بوده که در درون محله‌ها و مناطق شهری رخ داده است. نمود این موضوع بیشتر به صورت خروج جمعیت ساکن محدوده بافت قدیمی و تاریخی شهر به سایر مناطق نوساز و پیرامونی شهر بوده، که افت کیفیت مرکز شهر و بافت قدیمی را در ابعاد و محورهای مختلف به دنبال داشته است. در واقع آن گروه از ساکنان بافت قدیم که توان مهاجرت از این بافت را داشته‌اند، به دلیل مسائل و مشکلات اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و نارسایی تأسیسات و تجهیزات شهری و نظایر اینها در آن و همچنین جذابیت زندگی در حومه شهری و توسعه‌های جدید، این بخش را ترک کرده‌اند.

تحلیل و بررسی میزان رضایت‌مندی از شاخص‌های کیفیت محیط

به منظور به دست آوردن وضعیت رضایت‌مندی ساکنان از محیط سکونتی، از آزمون t تک‌نمونه‌ای^۱ استفاده شده است. بدین ترتیب میانگین رضایت‌مندی از محیط زندگی، عدد ۳ به دست آمد. از طرفی پرسشنامه به صورت طیف ۵ گزینیه‌ای لیکرت تنظیم گردیده و رتبه‌های ۱ تا ۵ به پاسخ‌ها اختصاص داده شده بود. به این ترتیب عدد ۳ به عنوان میانه نظری پاسخ‌ها به دست آمد و میانگین رضایت‌مندی به دست آمده با عدد ۳ مقایسه شد.

جدول ۱. بررسی توصیفی میزان رضایت از شاخص‌های کیفیت محیط زندگی

گویه‌ها	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم
امکانات تفریحی و رفاهی	۴/۴	۱۰/۳	۲۱/۴	۲۲/۷	۴۱/۲
احساس آرامش	۱۵/۲	۱۹/۶	۳۱/۴	۱۱/۱	۲۲/۷
وجود فضاهای تجمع و تعاملات اجتماعی	۸	۱۲/۱	۲۸/۹	۱۷	۳۴
امکانات فرهنگی و آموزشی	۸/۲	۱۳/۱	۲۳/۷	۲۴/۷	۳۰/۲
هویت محیطی شهری	۴۸/۵	۱۶/۵	۲۲/۸	۵/۲	۷
خدمات بهداشتی و درمانی	۷/۷	۹/۸	۳۳	۲۱/۱	۲۸/۴
خدمات ارتباطی و حمل‌ونقل	۷/۳	۱۶/۲	۳۲/۲	۲۰/۱	۳۲/۲
میزان رضایت از امنیت	۱۹/۶	۲۴/۲	۲۳/۷	۸/۸	۲۳/۷
وابستگی‌های خویشاوندی و طایفه‌ای	۴۱/۸	۳۸/۲	۱۵	۵	۰
کالبدی (کیفیت ساخت، دانه‌بندی)	۸/۵	۱۶/۲	۳۲/۱	۲۲/۲	۲۱/۲

منبع: نگارندگان

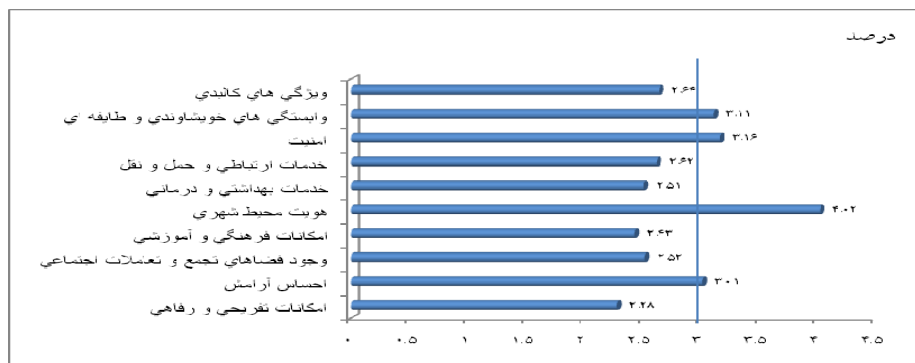
نکته شایان توجه این است که بین میانگین امتیاز رضایت‌مندی از محیط سکونت و عدد ۳ اختلاف معناداری وجود ندارد ($P > 0/05$). بر این اساس، می‌توان گفت که میانگین امتیاز رضایت‌مندی از محیط سکونت نزدیک به ۳ است؛ بدین معنی که رضایت‌مندی از بافت قدیم در حد متوسط ارزیابی شده است.

فرض H_0 بیانگر آن است که معیارهای کیفیت محیط در محله‌های شهری خرم‌آباد در وضعیت مناسبی قرار ندارد؛ و در مقابل، فرض H_1 بر وضعیت مناسب معیارهای کیفیت محیط از دید پاسخ‌گویان اشاره می‌کند.

جدول ۲. نتایج آزمون t: ارزیابی ساکنان از مجموع معیارهای مرتبط با کیفیت محیط

مجموع معیارهای کیفیت محیطی	ضریب	مقدار t-3		
		میانگین پاسخ‌ها	درجه آزادی	انحراف از میانگین
امکانات تفریحی و رفاهی	-۱۳/۰۹۴	۲/۲۸	۳۷۸	۱/۰۶۳
احساس آرامش	۰/۸۶	۳/۰۱	۳۷۸	۱/۱۹۱
وجود فضاهای تجمع و تعاملات اجتماعی	-۸/۷۴۱	۲/۵۲	۳۷۴	۱/۰۶۹
امکانات فرهنگی و آموزشی	-۹/۵۳۱	۲/۴۳	۳۷۶	۱/۱۶۷
هویت محیط شهری	۱۷/۰۷۳	۴/۰۲	۳۷۷	۱/۱۶۳
خدمات بهداشتی و درمانی	-۸/۴۲۹	۲/۵۱	۳۸۲	۱/۱۲۸
خدمات ارتباطی و حمل‌ونقل	-۶/۴۴۴	۲/۶۲	۳۷۹	۱/۱۳۸
امنیت	۲/۵۹۹	۳/۱۶	۳۷۵	۱/۲۳۰
وابستگی‌های خویشاوندی و طایفه‌ای	۲/۲۱۲	۳/۱۱	۳۷۵	۱/۱۲۰
ویژگی‌های کالبدی	-۶/۵۷۳	۲/۶۴	۳۷۹	۱/۱۴۸

منبع: نگارندگان



شکل ۷. میانگین پاسخ‌های جامعه نمونه در برابر معیارهای کیفیت محیط

ترسیم: نگارندگان

نتایج آزمون بیانگر آن است که میزان رضایت‌مندی در اکثر معیارها از میانه نظری رضایت‌مندی از محل سکونت، کمتر بوده است (جدول ۳ و شکل ۷). با توجه به اینکه میانگین پاسخ‌های معیار هویت محیطی محله ۴/۲۰، بوده است و در مقایسه با میانه پاسخ‌ها رقم بالاتری را نشان می‌دهد، می‌توان گفت که میزان رضایت‌مندی شهروندان از این معیار زیاد است. همچنین با توجه به سطح معناداری به‌دست آمده (۰/۰۰۰) می‌توان بیان کرد که در بین ساکنان این وضعیت توافق معناداری دارد. ساکنان از امنیت محله‌شان اظهار رضایت نسبی داشتند و در مرتبه بعد، احساس آرامش در محله نزدیک به میانه نظری رضایت‌مندی قرار گرفته است. در مورد سایر معیارها میزان رضایت‌مندی کمتر از حد متوسط ارزیابی شده است.

بررسی تأثیر معیارهای مورد بررسی بر مهاجرت‌های درون‌شهری

شهر خرم‌آباد، به عنوان مرکز استان لرستان در طول ۵۰ سال اخیر همواره جمعیت رو به رشدی داشته، به طوری که از ۲۰۸۲۷۴ نفر در سال ۱۳۶۵، به ۳۳۳۹۴۵ نفر در سال ۱۳۸۵ افزایش یافته است. در واقع، جمعیت آن طی دهه ۸۵-۳۵ حدود ۸/۵ برابر شده است. این امر موجب توسعه روزافزون محدوده شهر، افزایش جمعیت آن، ایجاد و گسترش سکونتگاه‌های غیررسمی، سوداگری زمین، مسائل و مشکلات زیست‌محیطی و اجتماعی و غفلت از توسعه درونی شهر و در نتیجه فرسودگی بافت قدیمی شهر در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، کالبدی، عملکردی و زیست‌محیطی شده است.

جدول ۳. روند تحولات جمعیتی و نرخ رشد جمعیت شهر خرم‌آباد (۱۳۳۵-۱۳۸۵)

سال		شاخص					
۱۳۸۵	۱۳۷۵	۱۳۶۵	۱۳۵۵	۱۳۴۵	۱۳۳۵	جمعیت	
۳۳۳۹۴۵	۲۷۲۸۱۵	۲۰۸۲۷۴	۱۰۴۹۱۲	۵۹۵۷۸	۳۸۶۷۶	نرخ رشد	
۲/۰۴		۲/۵	۷/۴	۵/۸	۴/۴	نسبت جمعیت شهر به جمعیت استان	
۱۹/۴	۱۷/۲	۱۵/۶	۱۱/۳	۸/۶	۷/۴		

منبع: مرکز آمار ایران

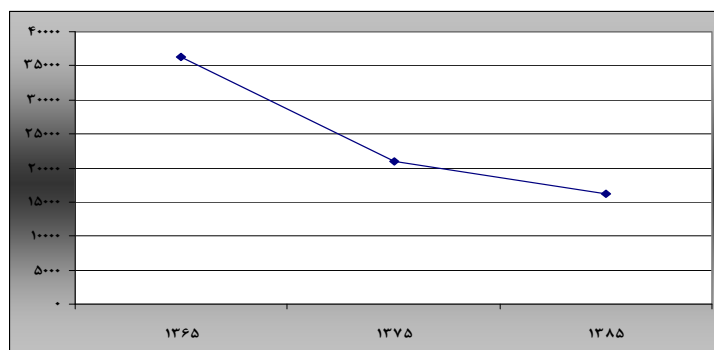
جدول ۴. روند تحولات جمعیتی و نرخ رشد جمعیت بافت قدیم و فرسوده (۱۳۶۵-۱۳۸۵)

سال	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵
جمعیت	۳۶۲۱۶	۲۰۹۶۳	۱۶۱۴۷
نرخ رشد	-۵	-۲/۵	
نسبت جمعیت محدوده به جمعیت شهر	۱۷/۴	۷/۷	۵

منبع: مرکز آمار ایران

در سال ۱۳۶۵ جمعیت بافت قدیمی و فرسوده شهر، ۳۶۲۱۶ نفر بود. در سال ۱۳۷۵ با نرخ رشد ۵- درصد به ۲۰۹۶۳ نفر کاهش یافت و این روند کاهشی ادامه داشت، به طوری که در سال ۱۳۸۵ با نرخ رشد ۲/۵- درصد جمعیت آن به ۱۶۱۴۷ نفر تنزل پیدا کرد. نسبت جمعیت بافت مورد مطالعه به جمعیت شهر خرم‌آباد نیز به ترتیب ۱۷/۴، ۷/۷ و ۵ درصد کاهش یافت. این امر نشان می‌دهد که طی چند دهه اخیر، در مقابل کاهش جمعیت در بافت قدیم، جمعیت شهر رو به افزایش بوده و خروج جمعیت از بافت قدیم تداوم داشته است.

آمار و ارقام مذکور نشان‌دهنده کاهش جمعیت بافت قدیم و برون‌رفت جمعیت از محدوده قدیمی و مرکزی شهر خرم‌آباد طی دهه‌های اخیر است. این در واقع مسئله‌ای است که بافت‌های قدیمی و فرسوده عمدتاً با آن مواجه‌اند، به گونه‌ای که به تدریج سرزندگی و کیفیت محیط شهری این محدوده‌های شهری کاهش می‌یابد و اینها بیش از پیش فرسوده می‌گردند. البته در قسمت‌های مختلف محدوده مورد مطالعه، شدت و ضعف میزان رضایت‌مندی از این معیارها تفاوت دارند، لیکن در پژوهش حاضر مجال پرداختن به این‌گونه اختلافات وجود ندارد.

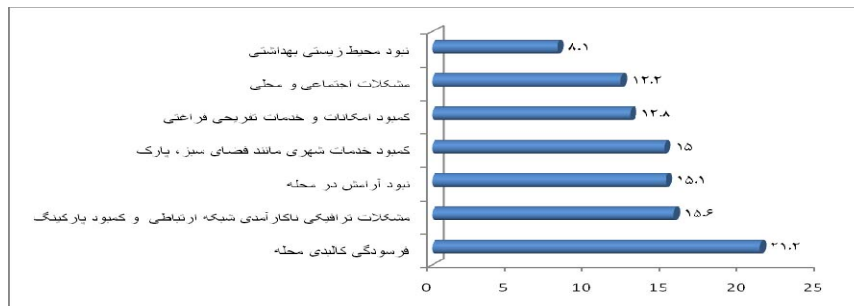


شکل ۸. تحولات نرخ رشد سالانه جمعیت بافت قدیم شهر خرم‌آباد (۱۳۶۵-۱۳۸۵)

ترسیم: نگارندگان

تمایل به مهاجرت

بررسی آماری بیانگر آن است که ۴۱/۵ درصد از پاسخ‌گویان تمایلی به مهاجرت ندارند و در مقابل، ۵۸/۵ درصد تمایل به مهاجرت به سایر محله‌ها و حتی استان‌های دیگر کشور را دارند. دلیل این امر، مسائلی از قبیل: وجود مشکلات اجتماعی - فرهنگی، شلوغی، کمبود یا فقدان امنیت، کمبود و نارسایی در خدمات و امکانات حمل‌ونقل، کمبود پارکینگ، نارسایی تأسیسات و تجهیزات شهری و نظایر اینهاست.



شکل ۹. عوامل مؤثر در جابه‌جایی جمعیت

ترسیم: نگارندگان

با توجه به اینکه مقصد مهاجرتی مورد نظر پرسش‌شوندگان محله‌های نوساز و میانی شهر، مانند کیو، شیرخوارگاه، ناصرخسرو و جز اینهاست، لذا دستیابی به امکانات و خدمات تفریحی و رفاهی و بهداشتی مناسب و محیط آرام و با امنیت بالا و همچنین رسیدن به پایگاه اقتصادی- اجتماعی بالاتر از انگیزه‌های جابه‌جایی‌های جمعیتی درون شهری به‌شمار می‌آید.

بررسی ارتباط بین تمایل به مهاجرت‌های درون شهری و مالکیت مسکن

برخی نظریه‌ها (مارتین کادوالار) اذعان دارند به اینکه ثبات در مالکیت واحد مسکونی یکی از عواملی است که در جابه‌جایی کمتر ساکنان محله‌ها مؤثر است (ن.ک. مبانی نظری). بررسی‌های میدانی این مطالعه، حاکی از آن است که ۴۳ درصد از پاسخ‌گویان دارای مسکن شخصی، ۲۹/۴ درصد رهن و اجاره، ۲۱/۴ درصد خانه پدری و بقیه سایر موارد هستند. در واقع سهم مالکیت شخصی ساکنان نسبتاً پایین است. اما در بررسی ارتباط بین دو معیار مهاجرت‌های درون شهری و مالکیت مسکن، می‌توان دید که مقدار همبستگی ۰/۱۱۹ و سطح معناداری به دست آمده در ناحیه آلفای ۰/۰۵ برابر با ۰/۳۸۰ است، و می‌توان نتیجه گرفت که ارتباط معناداری بین این دو معیار وجود ندارد.

جدول ۵. رابطه همبستگی بین دو متغیر اسمی مالکیت مسکن و مهاجرت درون شهری

مالکیت مسکن		مهاجرت‌های درون شهری
سطح معناداری	مقدار همبستگی	
۰/۳۸۰	۰/۱۱۹	
۳۷۹		
		تعداد جامعه نمونه

منبع: نگارندگان

بررسی رابطه بین تمایل به مهاجرت‌های درون شهری و معیارهای کیفیت محیط

در بررسی و تحلیل ارتباط بین شاخص‌های کیفیت محیط و حرکات جمعیتی درون شهری، با توجه به اینکه مهاجرت متغیری اسمی است و میزان رضایت از معیارهای کیفیت محیط متغیری ترتیبی است، از ضریب همبستگی V کرامر

استفاده شده است. نتایج حاکی از آن است که بین دو معیار مهاجرت و میزان رضایت از امکانات تفریحی در محل زندگی، با توجه به اینکه سطح معناداری به دست آمده ($p\text{-value}=0/742$) از ناحیه آلفای ۰/۰۵ بزرگ‌تر است، ارتباط معناداری دیده نمی‌شود.

در بررسی ارتباط بین دو معیار امنیت و مهاجرت‌های درون‌شهری، با توجه به آنکه ضریب همبستگی به دست آمده ۰/۲۱۱- و سطح معناداری محاسبه شده در ناحیه آلفا ۰/۰۵ است، با ۹۹ درصد اطمینان می‌توان گفت که با کاهش امنیت، مهاجرت‌های درون‌شهری افزایش می‌یابد که یافته‌های این تحقیق نیز بر این اصل منطبق است. همچنین بررسی ارتباط دو معیار مهاجرت و هویت محیط سکونت، با توجه به منفی بودن مقدار همبستگی ۰/۲۱۱- و سطح معناداری محاسبه شده در ناحیه آلفا ۰/۰۵ بیانگر آن است بین دو معیار رابطه معکوس وجود دارد؛ یعنی هر چه هویت محیط شهری و حس تعلق مکانی به محیط افزایش یابد، مهاجرت‌های درون‌شهری کاهش می‌یابد.

این وضعیت در مورد معیار آرامش و مهاجرت با ضریب همبستگی ۰/۱۷۰- و سطح معناداری ۰/۰۰۱ و خدمات عمومی مانند شبکه حمل‌ونقل عمومی با ضریب همبستگی ۰/۱۷۳ و سطح معناداری ۰/۰۰۱ نیز صادق است؛ بدین معنا که در منطقه مورد مطالعه با توجه به اینکه پاسخ‌گویان از وضعیت خدمات عمومی رضایت ندارند، این امر خود با مهاجرت‌های درون‌شهری مرتبط است و عدم رضایت‌مندی از خدمات عمومی مهاجرت‌های درون‌شهری را افزایش می‌دهد.

بین وابستگی‌های خویشاوندی و طایفه‌ای و مهاجرت درون‌شهری، با توجه به ضریب همبستگی به دست آمده ۰/۱۸۷- و سطح معناداری محاسبه شده ۰/۰۰۰ رابطه معکوس وجود دارد؛ یعنی هر چه وابستگی‌های خویشاوندی و طایفه‌ای قوی باشد، موجب تحکیم روابط همسایگی می‌شود و در نتیجه مهاجرت‌های درون‌شهری کاهش می‌یابد.

جدول ۶. همبستگی بین مهاجرت و متغیرهای مرتبط با کیفیت محیط

متغیر	رضایت از امکانات تفریحی و رفاهی	احساس آرامش	هویت محیط شهری	رضایت از امکانات فرهنگی و آموزشی	فضاهایی برای تعاملات اجتماعی	خدمات بهداشتی و درمانی	خدمات عمومی (شبکه معابر، پیاده‌روها)	رضایت از امنیت	وابستگی‌های خویشاوندی و طایفه‌ای	ویژگی‌های کالبدی
	ضریب همبستگی	۰/۱۱۱	-۰/۱۷۰	۰/۲۱۶	-۰/۱۱۶	-۰/۱۱۳	۰/۱۷۱	۰/۱۷۳	-۰/۲۱۱	-۰/۱۸۷
سطح معناداری	۰/۷۴۲	۰/۰۰۱	۰/۱۴۱	۰/۰۲۵	۰/۰۲۸	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۱
تعداد مشاهدات	۳۵۷	۳۷۵	۳۷۱	۳۷۳	۳۷۵	۳۷۵	۳۷۲	۳۶۹	۳۷۵	۳۷۲

منبع: نگارندگان

در مطالعه حاضر، ساختار کالبدی از طریق شناسایی مورفولوژی و ترکیب و دانه‌بندی بافت صورت پذیرفته است. قطعات ریزدانه (کمتر از ۱۰۰ مترمربع)، عموماً در بخش‌های جنوبی محدوده مورد مطالعه، خصوصاً پیرامون راسته بازار قدیم، پیرامون بافت امامزاده زیدبن‌علی، و جداره خیابان پاسداران که منطبق بر هسته اولیه شهر است، دیده می‌شود. قطعات با دانه‌بندی متوسط (بین ۱۰۰ تا ۲۰۰ مترمربع)، در بخش‌های عمده‌ای از شمال حوزه مورد مطالعه دیده

می‌شوند. قطعات با دانه‌بندی درشت (بین ۲۰۰ تا ۳۰۰ مترمربع) نیز به صورت پراکنده عموماً در بخش‌های شمالی حوزه مورد مطالعه مشاهده می‌شوند. غیر از موارد مذکور، بخشی از قسمت‌های جنوب غربی محدوده به ویژه در مجاورت محله گل سفید (اسکان غیررسمی)، عمدتاً بافتی با ویژگی‌های متفاوت از بافت کهن دارند و در وضع نامطلوبی به سر می‌برند. این محله که محدوده حوزه مورد مطالعه را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد، به واسطه عوارض طبیعی دامنه کوه شکل گرفته است و در تضعیف سیمای بافت تأثیری جدی دارد و به‌خصوص بر خروج جمعیت از بافت قدیمی و مرکزی شهر تأثیر می‌گذارد. در نتیجه از نظر ویژگی‌های کالبدی، اجماع در میان جامعه آماری وجود نداشت. اما به طور کلی در قسمت‌هایی از بافت که بدین لحاظ وضعیت نامناسبی داشته باشند، جابه‌جایی‌های جمعیتی نیز بیشتر خواهد بود. بررسی‌ها نشان می‌دهد که میان مهاجرت‌های درون‌شهری و ویژگی‌های کالبدی، ارتباط معکوس وجود دارد؛ یعنی با بهبود ویژگی‌های کالبدی محله‌ها و افزایش رضایت‌مندی ساکنان از آنها جابه‌جایی‌های درون‌شهری جمعیت و ترک بافت قدیم به‌وسیله ساکنان کاهش می‌یابد و جذب و نگهداشت جمعیت امکان‌پذیر خواهد شد.^۱

نتیجه‌گیری

ارزیابی ساکنان از کیفیت محیط‌های سکونتی‌شان بر میزان جذب و نگهداری جمعیت در بافت‌های شهری تأثیر می‌نهد و به عنوان یکی از عوامل مهم مؤثر بر حرکات جمعیتی درون‌شهری مطرح می‌شود.

بافت‌های فرسوده و قدیمی شهری، امروزه از لحاظ ساختاری و عملکردی دچار کمبودهایی شده‌اند و اغلب اوقات آن‌گونه که باید پاسخ‌گوی نیازهای ساکنان‌شان نیستند و همین امر میزان رضایت‌مندی ساکنان آنها را از محیط سکونتی‌شان کاهش داده و مهاجرت‌های درون‌شهری را موجب گردیده است. در نتیجه سنجش عوامل مؤثر بر مهاجرت‌های درون‌شهری برای دستیابی به قانونمندی‌های حاکم بر این حرکات، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است و برای دستیابی به پایداری شهری، بررسی و شناسایی عوامل مؤثر بر میزان رضایت و ناراضی ساکنان بافت قدیم، می‌تواند در جهت تحلیل وضع موجود سکونتی و تصمیمات آتی به منظور ارتقای سطح کیفی محل سکونت افراد و در نتیجه در جذب و نگهداشت جمعیت در بافت‌های فرسوده و قدیمی شهر و ممانعت از خروج جمعیت از این‌گونه بافت‌ها مؤثر واقع شود.

پژوهش حاضر با بهره‌گیری از برخی نظریات گرد آمده در مبنای نظری به انجام رسیده است. در این مطالعه، طبق نظریه مارانز و لنسینگ، رضایت‌مندی یکی از معیارهای اصلی سنجش کیفیت محیط در نظر گرفته شده است و در آن رضایت‌مندی از محیط سکونتی، به صورت رضایت از ۱۰ زیرمعیار شامل امکانات تفریحی و رفاهی، احساس آرامش،

۱. مقاله حاضر نتیجه تز دکتری محقق، با عنوان «ارزیابی رویکرد توسعه پایدار در بازآفرینی بافت‌های فرسوده و قدیمی؛ نمونه موردی: شهر خرم‌آباد» است. این پایان‌نامه حاصل تلاش چندین ساله نگارنده است. پایان‌نامه فوق‌لیسانس محقق نیز درباره شهر خرم‌آباد است و با مطالعه ده ساله این شهر شناختی دقیق از آن حاصل شده است؛ ضمن اینکه محقق خود بومی شهر و محدوده است و در نتیجه بسیاری از اطلاعات قبلی وی می‌تواند پشتوانه‌ای برای غنای مطالب باشد. علاوه بر توزیع پرسشنامه میان ساکنان فعلی بافت قدیمی و فرسوده شهر، با برخی از خانوارها که قبلاً ساکن این بافت بودند و در زمان حاضر در محله‌های توسعه‌یافته و جدید شهر از قبیل کیو، شیرخوارگاه، شصت متری، ناصرخسرو و برخی دیگر سکونت دارند نیز مصاحبه‌هایی انجام گرفته، که در تحلیل‌ها از آن مطالب بهره گرفته شده است.

وجود فضاهایی برای تعاملات اجتماعی، امکانات فرهنگی و آموزشی، هویت محیط شهری، خدمات بهداشتی و درمانی، خدمات ارتباطی و حمل‌ونقل، امنیت، وابستگی‌های خویشاوندی و طایفه‌ای و ویژگی‌های کالبدی، در نظر گرفته شده است تا تمایل ساکنان به مهاجرت از بافت فرسوده و قدیمی شهر معلوم گردد.

در زمینه شناخت رابطه دوسویه بین مهاجرت‌های درون‌شهری و میزان رضایت‌مندی از محل سکونت و در ساخت مدل مفهومی، بنا به فرضیه تحقیق و هدف پژوهش، از مدل رابسون بهره گرفته شده است؛ به این ترتیب که کیفیت محیط سکونت بر وجود یا فقدان رضایت‌مندی در ساکنان بافت از محله‌شان تأثیرگذار است. رضایت از محیط سکونت، منجر به انطباق با نیازها و سازگاری با محیط سکوتی و ماندگاری جمعیت در آن می‌گردد. همچنین عوامل متعددی به انگیزش خانوارها در تغییر محل سکونت در شهرها دامن می‌زند. انگیزه خانوارها در تصمیم‌گیری تغییر محل سکونت و جست‌وجو برای محل مناسب، تابع آرزوها و تمایلات و انتظارات آنهاست، که خود تابعی است از وضعیت خانوادگی و همچنین درآمد و شیوه زندگی این خانوارها، که عدم رضایت‌مندی از محیط سکوتی و مهاجرت‌های درون‌شهری را تشدید می‌کند. این‌گونه حرکات، عموماً از بافت‌های فرسوده و قدیمی به سمت مناطق نوساز و دارای کیفیت مناسب است.

نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که حدود ۶۰ درصد از جامعه نمونه، خواستار مهاجرت از بافت به محله‌ها و گاه شهرهای دیگر هستند.

میزان رضایت‌مندی ساکنان بافت قدیم از محیط سکوتی‌شان تقریباً در حد متوسط ($5 < 2/6 < 1$) با میانۀ نظری ۳ ارزیابی شده است. بررسی میزان رضایت‌مندی از شاخص‌های کیفیت محیط، بیانگر آن است که میزان رضایت‌مندی شهروندان از معیار هویت محیطی محله نسبتاً زیاد است این وضعیت توافق معناداری میان ساکنان دارد. ساکنان از امنیت محله‌شان اظهار رضایت نسبی داشتند و در مرتبه بعد، احساس آرامش در محله نزدیک به میانۀ نظری رضایت‌مندی قرار گرفته است. در مورد سایر معیارها، میزان رضایت‌مندی کمتر از حد متوسط ارزیابی شده است.

نتایج حاصل از ارتباط کیفیت محیط سکوتی و مهاجرت‌های درون‌شهری، در جهت تأیید نسبی تأثیرپذیری این‌گونه حرکات از کیفیت محیط سکوتی است؛ بدین معنا که این مسئله درباره برخی معیارها صحت ندارد.

برخلاف نظریه مارتین کادوالادور، مبنی بر اینکه ثبات در مالکیت واحد مسکونی یکی از عواملی است که در جابه‌جایی کمتر ساکنان محله‌ها تأثیر می‌نهد (ن.ک. مبانی نظری)، نتایج تحقیق حاضر نشان می‌دهد که بین دو معیار مهاجرت‌های درون‌شهری و مالکیت مسکن ارتباط معناداری وجود ندارد.

برخی از معیارها با مهاجرت‌های درون‌شهری رابطه معکوس دارند. از این دست‌اند امنیت، هویت محیط سکوتی، خدمات عمومی و بهداشتی، آرامش، ویژگی‌های کالبدی و امکانات حمل‌ونقل و ارتباطات؛ یعنی هرچه سطح پایین‌تری داشته باشند و به لحاظ کیفی نیز نامناسب باشند، مهاجرت ساکنان از آن محله‌ها زیاد خواهد شد. میان روابط خویشاوندی و طایفه‌ای و مهاجرت‌های درون‌شهری ارتباط معکوس وجود دارد؛ به این ترتیب که روابط خویشاوندی و طایفه‌ای قوی، موجب تحکیم روابط همسایگی می‌گردد و این خود منجر به کاهش مهاجرت‌های درون‌شهری می‌شود و در ماندگاری جمعیت در محله‌های شهری تأثیر می‌گذارد.

در ادامه، پیشنهادهایی برای ارتقای سطح کیفی محیط سکونتی ارائه می‌شود:

- تأمین خدمات و تسهیلات مورد نیاز ساکنان و توزیع متعادل آنها در سطح محدوده؛
- افزایش ضریب امنیت اجتماعی از طریق تقویت نقش نظارت اجتماعی و کنترل غیررسمی به‌عنوان مکمل نظارت و کنترل رسمی؛
- تأمین امنیت فضایی در محدوده مورد مطالعه، به واسطه ایجاد محصوریت‌های فضایی، تعیین کاربری فضاهای رهاشده و مانند اینها؛
- ایجاد، توسعه و تجهیز فضاهای فراغتی با تأکید بر محیط طبیعی و پتانسیل‌های طبیعی منطقه (مجاورت با رودخانه خرم‌آباد و قرارگیری میان دو کوه مخمل کوه و سفیدکوه)؛
- حفظ و ارتقای عناصر کالبدی باارزش بافت تاریخی و تغییر کاربری‌های آنها به کاربری‌هایی چون موزه، کتابخانه، قهوه‌خانه سنتی و مانند اینها؛
- تقویت و تجهیز سیستم حمل‌ونقل عمومی و همگانی؛
- تقویت و گسترش فضاهای پیاده؛
- ارتقای کیفی فضاهای سبز و پارک‌های موجود و ایجاد فعالیت‌های فرهنگی و آموزشی؛
- ساماندهی فعالیت‌های تفریحی، گذران اوقات فراغت، ورزشی و گردشگری و حذف فعالیت‌های ناسازگار و آلاینده محیط و نظایر آن، همراه با تقویت صنایع دستی و جایگزینی کاربری‌های مناسب؛
- تقویت عناصر نشانه‌ای طبیعی و کالبدی موجود در بافت؛
- تقویت و توسعه شبکه‌ای فضاهای باز و سبز، با تکیه بر قابلیت‌های محیطی - کالبدی و فرهنگی فضاها؛ و
- ارتقای کیفیات فضایی پیاده‌روها و ایجاد حلقه‌های پیاده‌روی هم‌پیوند و امن، در قالب شبکه پیاده‌روی بافت مورد مطالعه.

به طور کلی راهکارهای مذکور، به همراه بسیاری موارد دیگر در ارتقای کیفیت محله‌های شهری نقش ویژه‌ای دارند. این در حالی است که هرچه میزان رضایت ساکنان محله‌های شهری از کیفیت محیط زندگی‌شان افزایش یابد، در نگهداری جمعیت در این گونه بافت‌ها مؤثر خواهد بود. ارتقای کیفیت بافت‌های فرسوده و قدیمی در ابعاد مختلف اجتماعی، کالبدی، فرهنگی و تأسیسات و تجهیزات شهری و جز اینها و افزایش رضایت‌مندی شهروندان از این قسمت‌های شهر به افزایش تمایل افراد برای ادامه زندگی در این محله‌های شهری و ماندگاری در آنها منجر می‌گردد.

منابع

- Laurence, H. Ross, 2003, **Reasons for Moves to and from A Central City Area**, Social Force, Vol. 40, Issue 3, PP. 261-3.
- Baba, Yoko & Austin, D. Mark, 1989, **Neighborhood Environmental Satisfaction, Victimization, and Social Participation as Determinants of Perceived Neighborhood Safety**, Environment and Behaviour, Vol. 21. No. 6, PP. 763-780.

- Cadwallader, M., 1981, **A United Model of Urban Housing Patterns, Social Pattern and Residential Mobility**, Urban Geography.
- Golkar, K., 2001, **Component of Urban Design Quality**, Soffeh, Spring – Summer, 11(32), 38-68.
- Gyford, R., 1999, **Residential Environmental Psychology**, Fall- winter.
- Hafeznia, M., 2006, **An Introduction to the Research Method in Humanities**, Twelfth printing, Samt.
- Kalantari, Kh., 2010, **Data processing and Analysis in Socio – Economic Research**, Tehran: Farhang Saba, Fourth Printing.
- Naraghe, E., 1971, **Quality of Life**, First Printing.
- Rafyyan, M., Asgary, A., Asgary zadeh, Z., 2009, **The Measurement of Residence Satisfaction of Residents Navvab**, Humanities Geographical Research, Spring, 4 (61):53-68.
- Sajjadi, J. Ahmadi Dastjerde, H., 2008, **The Survey Spatial – Social Causes of Intra – urban Emigration, case study: old textures Tehran pars**, Humanities Geographical Research, winter, 40 (60), 99 – 176.
- Seifoddini, F., 2002, **Dictionary of Urban and Regional Planning**, Shiraz, Second Printing.
- Shahuy, S., 2006, **Monitoring Quality of Life in LUDA Project**.
- Simonsen, K., 1991, **Toward an Understanding of Contextuality of Mode of Life, Environment and Planning: Society and Space**, No. 9, PP. 41.
- Statistical Centre of Iran, **Population and Housing Census, 1365-1385**.
- Van Kamp, Irene, Kees Leidel Meijer, Gooitske Marsman, Augustinus de Hollander, 2003, **Urban Environmental Quality and Human Well-being towards a Conceptual Framework and Demarcation of Concepts: a literature study**. in landscape and urban planning, No. 65, PP. 5-18.